



سید محمد غرضی، وزیر نفت دوران جنگ تحمیلی در گفت‌وگو با «ایران» از مقاومت زیبای نفتی‌ها می‌گوید

## پالایشگاه‌های یک درژ محکم بودند

عطیه لیاف  
خبرنگار

سال ۱۳۵۹ در دست در چنین روزهایی طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم شروع شد. عراق به ایران حمله کرد و شبپور ۸ سال جنگ تحمیلی دمیده شد. اما این ۸ سال اصلا با معادلات بعضی‌ها جور نبود. صدام حسین گفته بود که ۳ ساعته خرمشهر و ۳ روزه خوزستان را تصرف می‌کند. اما جنگ ۸ سال طول کشید و در نهایت هم نقشه‌هایی که برای خوزستان، قلب تپنده ایران داشتند، به گنج نرسید. گنجی که به طلای سیاه معروف است و صدام حسین، رئیس جمهوری وقت عراق، برای آن برنامه ریخته بود. البته علل متفاوتی درباره حمله عراق به ایران ذکر می‌شود؛ از جمله سقوط جمهوری اسلامی، رهبری جهان عرب در منطقه در چارچوب جاه طلبی صدام و دسترسی عراق به شمال خلیج فارس. اما سید محمد غرضی، سیاستمدار ایرانی که در دوران جنگ استاندار خوزستان، وزیر نفت (سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴) و پس از آن وزیر پست و تلگراف بود، اهمیت تجزیه خوزستان را برجسته می‌داند و می‌گوید: «شاپور بختیار برای گرفتن خوزستان در عراق مانده بود و می‌خواستند با گرفتن خوزستان یک کشور نفتی قوی تأسیس کنند.» او در گفت‌وگو با روزنامه «ایران» از روزهای جنگ، بمباران پالایشگاه‌ها و تأسیسات نفتی و نحوه برخورد مردم با مشکلات می‌گوید و مردم را پیروز این نبرد می‌داند.

به همین خاطر تصمیم به عقب نشینی گرفتیم. سال‌های جنگ پر بود از خاطراتی این چنین و معتقدم که خطرات آن سال‌ها باید به خون نوشته شود. به اعتبار و ایمان باید نوشته شود. ملت ایران در مقابل همه دنیا ایستاد و ۲۴۳ هزار شهید داد. ۴ سال جنگ شما وزیر نفت بودید. یکی از بخش‌هایی که عراق مدام به آنها حمله می‌کرد، تأسیسات نفتی بود. چگونه این تأسیسات را سرپا نگه می‌داشتید؟ روزهای سختی بود. بارها به پالایشگاه‌ها و تأسیسات نفتی کشور حمله شد. پالایشگاه آبادان بی‌وقفه مورد حمله قرار می‌گرفت. اما در آن ۴ سال حتی یک روز تولید نفت و صادرات آن متوقف نشد و یک روز نبود که پالایشگاه‌ها تعطیل شود.

حتی ۴ سالی که در این صنعت مسئولیت داشتم، درآمد کشور خیلی خوب بود. مجلس ۱۸ میلیارد دلار در بودجه در نظر گرفته بود و ما ۲۳ میلیارد دلار به دست آورده بودیم. علت اصلی آن تخصص شخصیت‌های نفتی بود. انسان‌های کاملی که متخصص بودند و با اعتماد کشور به آنها از جان شان مایه گذاشتند. تخصص مردم ایران در نفت از همه چیز با ارزش‌تر بود. به‌خاطر می‌آورم که پالایشگاه اصفهان ۲۰۰ هزار بشکه در روز تصفیه می‌کرد و متخصصان و کارگران و مهندسان دست به دست هم دادند و این ۲۰۰ هزار بشکه را به ۳۵۰ هزار بشکه در روز ارتقا دادند. به‌همین

دلیل هم توانستم گازوئیل و بنزین را آزاد کنم. آن زمان در نتیجه حملات، چاه‌های نفت آتش می‌گرفت و مهار آتش در تخصص امریکایی‌ها بود. اما به یاد می‌آورم که ۸ کارگر و متخصص توانستند ۵ چاه نفت را ببندند. یک روز پالایشگاه‌ها تعطیل نشد. پالایشگاه کرمانشاه از نفت شهر تغذیه می‌شد. نفت شهر را عراق گرفته بود و نفت به پالایشگاه نمی‌رسید و یک پیمانکار را صدا کردم و گفتم از خط لوله نفت در خرم آباد یک خط به کرمانشاه بکشید و آنها هم ۶ ماه ایستادند و کار را انجام دادند، روزی که کار تمام شد به من گفت که سه تا از مهندسان و همکارانم را از دست داده‌ام اما کار انجام شد. مواردی از این دست زیاد بود. ایستادگی ملت ایران جریان خیلی زیبایی است و شاید اگر تمامی داستان نویسان دنیا بخواهند موضوعی پیدا کنند که مملو از فداکاری‌ها باشد، داستان استقامت ۸ ساله ایران یکی از برجسته‌ترین‌ها و خوندنی‌ترین‌های آن باشد.



ایتالیایی می‌آمد تا بتوانیم گازرسانی کنیم. اما آنقدر این تخصص در داخل ایران فراوان بود و ما توانستیم به آنها اعتماد کنیم که امروز در نتیجه کار این متخصصان داخلی بیش از ۹۳ درصد مردم کشور به شبکه سراسری گاز متصل شده‌اند. آن زمان تهران هیچ نداشت. در همه زمینه‌ها این کلام پیامبر گرامی (ص) ساری و جاری است که وقتی از ایشان پرسیدند که چرا به سلمان فارسی علاقه مندید، پاسخ دادند سلمان از ملتی است که اگر علم در ثریا باشد می‌رود و می‌آورد. من این را واقعا در کشور دیده‌ام. به افزایش ظرفیت تولید پالایشگاه اصفهان اشاره کردید. تولید پالایشگاه‌های دیگر چگونه بود؟

آن زمان تهران، اصفهان، شیراز و تبریز پالایشگاه داشت و همگی چند برابر ظرفیت خودشان تولید می‌کردند و این اتفاق با همه دشواری‌ها بواسطه توان نیروها و استعدادهای ایرانی انجام می‌شد. متخصص‌هایی که در دوره تصدی بنده حتی نمی‌آمدند به ما بگویند مشکل داریم و نمی‌توانیم فلان کار را انجام دهیم.

### روزهای سختی بود. بارها به

پالایشگاه‌ها و تأسیسات نفتی

کشور حمله شد. پالایشگاه

آبادان بی‌وقفه مورد حمله قرار

می‌گرفت. مادر آن ۴ سال حتی

یک روز تولید نفت و صادرات

آن متوقف نشد و یک روز نبود که

پالایشگاه‌ها تعطیل شود

■ یعنی ایستادگی مردم را عامل سرپا ماندن صنعت نفت، اقتصاد جنگ و در نهایت ایران می‌دانید؟ بله. به‌عنوان یک تجربه می‌خواهم بگویم که ما هر وقت گرفتاری داشتیم و به مردم رجوع کردیم شاهد بروز تخصص‌ها و فداکاری‌ها بودیم و از آن مهم‌تر کسانی که فداکاری می‌کنند بعدا طلبکار نیستند. در این چند وزارتخانه‌ای که من بودم، از نزدیک دیدم هر وقت تخصص، مدیریت و سرمایه‌ای لازم بود، جامعه کمک کرده و تخصص‌ها پای کار آمده‌اند. در همان سال ۱۳۶۰ وزیر نفت شدم، تنها ۱۰۰ هزار مشترک گاز در شیراز، تهران و مشهد بود و باید که طراح فرانسوی و متخصص

ادامه در صفحه ۱۶

### اداره کشور با ۷ میلیارد دلار



غلامرضا شافعی  
وزیر صنایع دوران جنگ

در دوران دفاع مقدس، بحثی بین بخش خصوصی و اعضای دولت وجود داشت که باعث می‌شد رقابتی بین بخش خصوصی و برخی بخش‌های دولتی احساس شود. آن زمان فعالان بزرگ بخش خصوصی گله‌مند بودند که دولت در فعالیت‌های اقتصادی بیش از آنکه لازم است دخالت می‌کند. بحث دولت قیمت‌گذار یا دولت خدمتگزار هم آن موقع بین مخالفان برجسته دولت از بخش خصوصی مطرح می‌شد. اگر بخواهیم شرایط الان بخش خصوصی را با شرایط زمان جنگ مقایسه کنیم باید بگوییم با اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ و واگذاری سهام دولتی، حضور بخش خصوصی در صحنه اقتصاد پررنگ‌تر شده است. درست است که اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ ایراداتی داشته و بخشی از پنگاه‌های واگذار شده به بخش خصوصی دچار مشکلات بزرگی شده‌اند اما جهت‌گیری کلی این بوده که به بخش خصوصی بیشتر بها داده و از ظرفیت این بخش بیشتر استفاده شود. بخش خصوصی در زمان جنگ به‌عنوان بخش مردمی حامی رزمندگان در جبهه بود. آن زمان در هر وزارتخانه‌ای معاونت جنگ تشکیل شده بود، از جمله هم در بخش صنایع و هم در بخش صنایع سنگین، که آن معاونت جنگ، کمک‌های صنعت را اعم از بخش دولتی و خصوصی تعیین می‌کرد. کارخانجات بزرگ در زمان جنگ خمپاره‌ها، پل‌های بی‌ام بی‌ی و اقلام لجستیکی دفاعی را می‌توانستند سازند. البته بیشتر کارخانجات بزرگ در دست دولت بود، اما بخش خصوصی هم از طریق معاونت جنگ سازماندهی می‌شد. آن زمان، بخش خصوصی و بخش دولتی با این کیفیت سازماندهی می‌شدند تا به جبهه کمک کنند. اما در زمان جنگ، کمبود منابع ارزی موضوع تعیین کننده‌ای بود. به‌عنوان مثال، یونین برای جبهه جزو ابزارهای اولیه جنگ بود اما به‌خاطر کمبود ارز دولت نمی‌توانست آن را تأمین کند. سعی می‌شد از به طرق مختلف از جمله ارز متقاضی و ارز صادراتی تأمین شود. به هر تقدیر می‌توان گفت بخش خصوصی مستقیماً درگیر جنگ نبود. اما در کنار مردم بود. کمک‌های عمومی مردمی انجام می‌شد و بخش خصوصی هم جزو بخش مردمی بود که کار را انجام می‌داد.

کارهای برجسته از طریق معاونت جنگ هر روز ارتخانه انجام می‌شد. اما تضادی در سیاست‌های حمایتی زمان جنگ میان بخش دولتی و خصوصی وجود نداشت. شرایط جنگی افق روشنی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی باقی نمی‌گذارد. این موضوع در تمام کشورهای درگیر جنگ حاکم است. سرمایه‌گذار باید پیش‌بینی آینده را داشته باشد. از یک طرف کارخانجات مورد بمباران و تهاجم بود که عموماً کارخانجات دولتی بود. از طرف دیگر انتظار بود که مردم سرمایه‌گذاری‌هایی انجام دهند اما از یک طرف افق روشن نبود و از طرف دیگر ارزی هم وجود نداشت. علاقه‌مندی برای بخش خصوصی بود اما امکانات هم محدود بود. بعد از جنگ، با اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ بخش‌های قابل توجهی از صنایع در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته است. کل صادرات غیرنفتی آن زمان که بخشی از آن در اختیار بخش خصوصی بود به ۵۰۰ میلیون دلار نمی‌رسید. الان چیزی حدود ۴۳ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داریم که بخش عمده‌ای از آن برای صادرات شرکت‌های خصوصی، خصوصی شده یا شرکت‌های دولتی است که از طریق بورس مالکیت عمومی پیدا کرده است. منابع ارز الان برای بخش خصوصی فراهم‌تر است تا آن موقع. اما انتظارات حال حاضر هم از بخش خصوصی نسبت به زمان جنگ به نوعی دیگر تغییر کرده است. دولت از بخش خصوصی می‌خواهد ارز حاصل از صادرات غیرنفتی با شرایطی که دولت اعلام کند در اختیار گردش ارزی کشور قرار گیرد. عمده مشکل دولت با بخش خصوصی این است که ارز حاصل از صادرات به چرخه تولید و اقتصاد برنمی‌گردد. اگر ارز حاصل از صادرات برگردد کمک بزرگی به دولت است. در زمان جنگ کشور با ۷ میلیارد دلار اداره می‌شد اگر الان نفت صادر نشود صادرات غیرنفتی ۴۲ میلیارد دلار است که عدد قابل توجهی است. درست است جمعیت نسبت به پایان جنگ دو برابر شده اما درآمد ارزی هم چند برابر شده است. از سوی دیگر انتظارات مردمی هم با شرایط زمان جنگ تفاوت کرده است. بنابراین دولت در تأمین انتظارات باید تلاش بیشتری داشته باشد. می‌شود گفت دولت زمان جنگ فعال‌تر و در تصمیم‌گیری‌ها و در اجرا جابک‌تر بود. مثلاً الان ارز اختصاص داده شده، اقلامی وارد شده اما از گمرک ترخیص نمی‌شود. این دیگر در اختیار و تدبیر دولت است. مثلاً ارز واردات نهاده تأمین شده و نهاده وارد شده اما در توزیع آن مدیریت نمی‌شود. سوء مدیریت باعث می‌شود مسأله دولت مرغ و تخم مرغ باشد. باید توجه کنیم مقتضیات هر زمان فرق دارد. آن زمان جنگ بود الان هم جنگ اقتصادی است و حرف رئیس جمهوری درست است. باید همه درک کنیم و انتظارات حد منابع در اختیار دولت باشد. تلاش باید متناسب با این شرایط باشد.

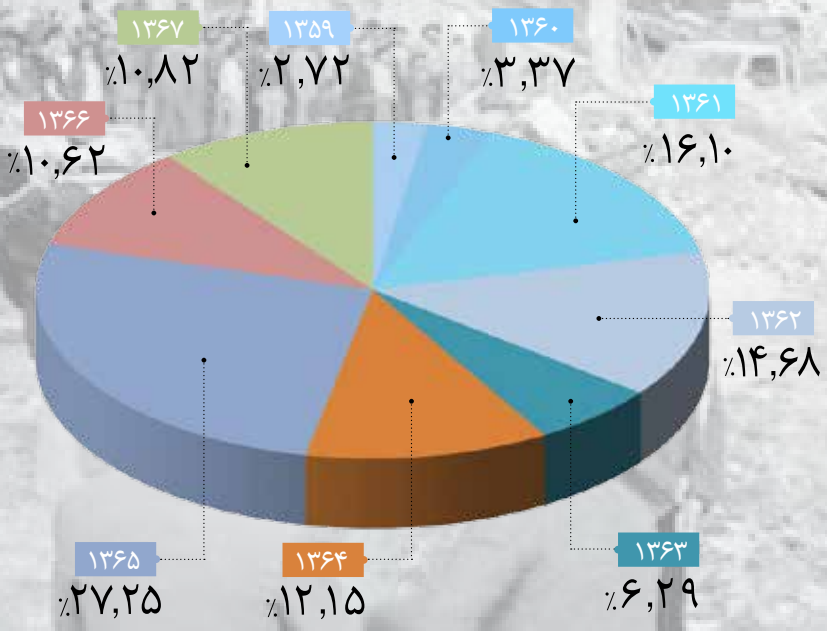
## خسارات بخش‌های اقتصادی

← خسارات مستقیم



## خسارات اقتصادی سال‌های جنگ

← خسارات مستقیم



## خسارات اقتصادی استان‌ها

← خسارات مستقیم ← سایر استان‌ها ۴۹/۶۲٪

